

بخش یک

زندگی در غربت

ها جین

نسرین طباطبائی

۱۳۶۱

۰۰۱۱

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲

۰۰۵۶۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بالاخره تائوتائو پاسپورت و ویزایش را گرفت. پدر و مادرش هفته‌ها می‌ترسیدند که چین، اگر درها را به کلی نبندد، دست‌کم خروج مردم از آن کشور را محدود کند. پس از کشتار تیان‌آنمن در چهارم ژوئن ۱۹۸۹، همه‌ی خطوط هوایی امریکا به جز یونایتد پروازهایشان را به پکن و شانگهای لغو کرده بودند. پینگ‌پینگ به محض شنیدن این خبر خوش زیر گریه زد. به سرعت آبکشی را که در آن شلغم رنده‌شده خشک کرده بود تا بعداً با سالاد مخلوطش کند آب کشید، پیش‌بندش را از تن در آورد و همراه شوهرش نان وو عازم مرکز شهر وودلند شد، که محل دفتر هواپیمایی ترول اینترنشنال بود.

قیمت بلیت هواپیما هفتاد درصد بیشتر از نرخ عادی بود، چون سه هفته جلوتر از آن خریداری شده بود. زن و شوهر تردید نکردند؛ اگر تائوتائو می‌توانست به موقع و صحیح و سالم از چین خارج شود، هر چه می‌دادند ارزشش را داشت. علاوه بر آن، برای خودشان هم بلیت‌های رفت و برگشت از بُستن به سان‌فرانسیسکو را خریدند.

نه پینگ‌پینگ و نه نان نمی‌توانستند برای آوردن تائوتائو که طی سه سال گذشته با پدر و مادر پینگ‌پینگ زندگی کرده بود، به چین برگردند و از آن‌جا که هیچ کدام از قوم و خویش‌های پینگ‌پینگ - صرف‌نظر از مشکل ویزا گرفتن از سفارت ایالات متحده - پاسپورت نداشتند، پسرک ناچار بود تک و تنها سفر کند. برادر پینگ‌پینگ که تازه برای گذراندن تعطیلات تابستانی به خانه‌ی پدر و مادرش